

زمین و انقلاب در ایران

۱۳۴۰ - ۱۳۶۰

اریک ج. هوگلاند

مترجم: پرویز مهاجر

سرشناسه	هوگلاند، اریک جیمز ۱۹۴۴م / Hooglund, Eric James
عنوان و نام پدیدآور	زمین و انقلاب در ایران / نویسنده: اریک ج. هوگلاند / مترجم: فیروزه مهاجر.
مشخصات نشر	تهران: پردیس دانش، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	۲۸۵ص
فروست	(مجموعه جامعه و سیاست: ۱)
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۳۰۰-۰۳۷-۷
فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	عنوان اصلی: Land and Revolution in Iran
یادداشت	چاپ قبلی؛ موسسه نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۸۱.
موضوع	اصلاحات ارضی - ایران
موضوع	ایران - سیاست و حکومت - ۱۳۳۹-۱۳۶۰
موضوع	ایران - سیاست اقتصادی - ۱۳۳۹-۱۳۶۰
موضوع	ایران - سیاست و حکومت - ۱۳۲۰-۱۳۵۷
شناسه افزوده	مهاجر، فیروزه، ۱۳۲۶ - مترجم
رده بندی کنگره	۱۳۹۲ الف/۱۳۳۳ HD
رده بندی دیویی	۳۳/۳۱۵۵
شماره کتابشناسی ملی	۲۱۱۶۳۶۲



زمین و انقلاب در ایران

۱۳۶۰-۱۳۴۰

نویسنده: اریک جیمز هوگلاند

مترجم: فیروزه مهاجر

طراح جلد: حمید خانی

چاپ و صحافی: پردیس دانش

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

چاپ اول: ۱۳۹۲

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تهران. صندوق پستی: ۱۱۱-۱۳۱۴۵

تلفن: ۲۲۲۰۶۱۳۳ - فکس: ۲۲۶۸۷۲۰۴

همراه: ۰۹۳۶۹۵۰۰۱۸۲

سایت: www.shirazehketab.net

فهرست مطالب

یادداشت دبیر مجموعه	یازده
پیشگفتار	۱
مقدمه	۹

بخش اول: سابقه اصلاحات ارضی

۱. اوضاع و احوال روستاها	۱۵
محیط طبیعی	۱۵
اسکان و کشاورزی	۱۸
۲. جامعه دهقانی در پایان دهه ۱۳۳۰	۲۷
الگوها و امتیازات زمین‌داری	۳۱
حد فاصل میان مالک و زارع	۴۱
زارعان	۴۹
خوش‌نشینان	۶۲
نتیجه	۷۲
۳. خاستگاه‌های اصلاحات ارضی	۷۵
سوابق اولیه	۷۷
اصلاحات ارضی و روشنفکران	۸۲
به سوی پذیرش سیاسی اصلاحات ارضی	۹۰

۹۹	۴. برنامه اصلاحات ارضی
۱۰۰	رویکردهای مختلف نسبت به اصلاحات ارضی
۱۰۶	قانون اصلاحات ارضی
۱۰۹	نخستین مرحله اصلاحات ارضی
۱۲۱	مرحله دوم اصلاحات ارضی
۱۳۱	مرحله سوم اصلاحات ارضی
۱۳۶	نتیجه

بخش دوم. تأثیرات اصلاحات ارضی

۱۴۳	۵. زمین‌داری پس از تقسیم اراضی
۱۴۵	اصلاحات ارضی و مالک‌ان
۱۴۹	املاک وقفی
۱۵۰	املاک شخصی
۱۵۵	زمین‌های تحت مالکیت شرکت‌های سهامی
۱۶۳	اصلاحات ارضی و دهقانان
۱۶۴	نابرابری زمین‌ها
۱۶۶	پراکندگی مزارع
۱۶۸	مشکلات آبیاری
۱۷۰	کشاورزی معیشتی
۱۷۲	اصلاحات ارضی و خوش‌نشینان
۱۷۸	نتیجه
۱۸۱	۶. تغییرات اجتماعی - اقتصادی روستایی
۱۸۲	بنه‌ها و تقسیم اراضی
۱۸۷	شرکت‌های تعاونی روستایی
۱۹۹	سیاست‌های کشاورزی

مهاجرت روستاییان	۲۰۴
نتیجه	۲۱۵
۷. اراده قیصر	۲۱۹
سیاست روستایی	۲۲۰
حکومت مرکزی و روستاها	۲۳۲
۸. روستاها و انقلاب	۲۴۵
گرایش‌های سیاسی در روستا	۲۴۶
عواملان انقلاب	۲۵۱
نتیجه: جامعه روستایی ایران در حوالی سال ۱۳۶۰	۲۶۲
کتاب‌شناسی	۲۶۹
منابع فارسی	۲۶۹
منابع خارجی	۲۷۲

یادداشت دبیر مجموعه

در مجموعه عواملی که وضعیت عمومی کشور را از اواسط دهه ۱۳۴۰ تا اواسط دهه ۱۳۵۰ رقم زدند، اصلاحات ارضی از جایگاه منحصر به فردی برخوردار است. جایگاه ویژه‌ای که نمی‌توان بدون مطالعه دقیق مراحل مختلف کار و چگونگی صف‌آرایی نیروهای اجتماعی و سیاسی در طی این مراحل و البته بررسی انواع شکل‌های مالکیت غالب بر روستاهای کشور و نهادها و شیوه‌های سازماندهی اقتصادی و اجتماعی این روستاها به اهمیت آن پی برد. اینها همه مباحثی هستند که در فصل‌های اولیه این کتاب با دقت از سوی اریک هوگلاند مورد توجه قرار گرفته‌اند. وی با تکیه بر منابع متعدد تحقیقاتی و آماری و از آن مهم‌تر مشاهدات شخصی گسترده که به یمن حضور طولانی مدت در روستاهای کشور به دست آورده، تصویری دقیق از تمامی این عوامل به دست می‌دهد.

با مطالعه این کتاب آشکار می‌شود که از همان آغاز کار، نه فقط چگونگی پیشبرد این برنامه بر مسئولان امر روشن نبود و تبعات خود و کلان آن چندان که باید مورد توجه قرار نگرفت، بلکه حتی تصمیم به شروع آن نیز بر اساس توافق‌های لازم برای دست زدن به یک چنین برنامه عظیمی گرفته نشده بود. نتیجه اینکه پس از یک دوران کوتاه اولیه که در آن سرعت عمل بیش از هر چیز مد نظر بود، برنامه با رخوت قابل انتظاری روبرو شد که خود از فقدان یک برنامه‌ریزی روشن حکایت داشت. در این دوره رخوت است که نیروهای اجتماعی مخالف اصلاحات، اعم از نیروهای اجتماعی و سیاسی‌ای که طی آن دوره اول به علت غافلگیر شدن نتوانسته بودند از تأثیرگذاری چندان برخوردار

باشند و نیروهای جدیدی که پیشرفت برنامه را به سود خود نمی‌دیدند، امکان بسیج توان لازم برای مقابله با اصلاحات ارضی را به دست آوردند.

طی این مقابله اولیه برای اولین بار معلوم شد برنامه اصلاحات ارضی که بنا بود پشتیبانی‌های اجتماعی لازم را برای تحکیم استبداد رو به افزایش محمد رضا پهلوی فراهم آورد، بدون ایجاد نهادهایی که اقتدار دولت مرکزی را به روستاها گسترش دهند، موفق نخواهد شد. به همین دلیل بود که همراه با کند شدن روند تقسیم زمین‌ها شاهد طرح و اجرای برنامه‌های جدیدی چون تأسیس سپاه دانش و بهداشت هستیم که هریک، و باری دیگر به همان دلایل مألوف تصمیم‌گیری در کشور یعنی عدم تدارک کافی و ندیدن جوانب متعدد امر، به نوعی بر مشکلات موجود افزودند.

با اینهمه، پایان کار اصلاحات ارضی را می‌باید ناشی از تصمیم دولت مرکزی دانست مبنی بر اولویت دهی به صنعت و رسیدگی به امور شهرهایی که از جمله به دلیل عدم موفقیت برنامه اصلاحات ارضی شاهد مهاجرت روز افزون روستائیان بودند. هدایت سرمایه‌های کشور به صنعت و به شهرها و همچنین به برنامه‌های کلان توسعه کشاورزی که روستاها و روستائیان را از منابع لازم برای بهبود زندگی به کل مأیوس و ناامید ساخت، دربار را در مواجهه با انقلابی که در شرف وقوع بود، نه فقط از پشتیبانی روستائیان یعنی قشری که یک دهه پیش به وی اجازه داده بود دست‌آورد را در مواجهه با نیروهای سیاسی کشور به دست آورد، محروم ساخت، بلکه با سرور اولین نشانه‌های ضعف حکومت در رویارویی با نیروهای مخالف، این قشر که هم‌اکنون بخش جوان و فعال آن دیگر بیشتر در شهر زندگی می‌کرد تا در روستا، خود به نیروهای مخالف سلطنت پیوست و از این طریق فروپاشی آن را تسریع کرد.

پیشگفتار

در سال ۱۳۴۱، حکومت محمدرضا پهلوی به منظور انجام اصلاحات ارضی دست به اجرای برنامه‌ای زد که هدف از آن رسیدن به نتایج اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مهم برای روستاییان بود. تقسیم اراضی که در سه مرحله جداگانه و در طول ده سال صورت گرفت نظام کشاورزی ایران را که مشخصه آن وجود مناسبات فئودالی میان مالکان خیابی و زارعان سهم‌بر بود تغییر داد و تقریباً نیمی از خانواده‌های روستایی را مالک دستکم قطعه زمین کوچکی ساخت. این دگرگونی به حکومت مرکزی امکان داد که در روستاها نفوذ کند و آنها را در مقیاسی که از زمان شکل‌گرفتن مجدد ایران به صورت کشوری مستقل در اوایل قرن شانزدهم میلادی سابقه نداشت، تحت سلطه سیاسی خود درآورد. انگیزه‌های اصلی این برنامه بیش از آن‌که اقتصادی یا توسعه‌ای باشد، سیاسی بود. بنابراین، از همان آغاز میان سخن‌پردازی درباره اهداف تعیین‌شده و نتایج عملی اصلاحات تناقضاتی وجود داشت. جدی‌ترین این تناقضات به زارعان مربوط می‌شد که ظاهراً قرار بود بیش از همه از اصلاحات ارضی منتفع شوند، روش‌هایی که برای اجرای اصلاحات در نظر گرفته شد به گونه‌ای بود که اکثریت قابل توجه روستائیان نه تنها از تقسیم اراضی سود مادی قابل ملاحظه‌ای نبردند، بلکه در طول چندسال شرایط اقتصادی آنان به تدریج بدتر هم شد. این وضع آرزوهای روستاییان را، خواه درباره اصلاحات ارضی و خواه درباره دیگر سیاست‌های کشاورزی دولت، تا حد زیادی نابود کرد. در پی آن، در سال ۱۳۵۷، یعنی وقتی که رژیم شاه با جنبش جدی و توده‌ای مخالف در شهرها روبه‌رو شد

نه تنها در جلب حمایت روستاها شکست خورد، بلکه ده‌ها هزار تن از شرکت‌کنندگان در تظاهرات ضدحکومتی، که به سقوط رژیم سلطنتی سرعت بخشیدند، جوانان روستایی بودند؛ جوانانی که همین اواخر از اراضی «اهدایی» شاه به پدران خود دل‌کنده و به شهرها مهاجرت کرده بودند.

هدف از تدوین این اثر بررسی اجمالی تحول یادشده است که به عقیده نگارنده تحقیقی نه تنها مفید بلکه ضروری است. چراکه درباره اصلاحات ارضی در ایران، خواه در میان جماعت تحصیل‌کرده و خواه در میان توده مردم، سوءتعمیرهای بسیاری وجود دارد، و این سوءتعمیرها به علت فقدان هرنوع تحلیل جدی از نتایج عملی برنامه، روز به روز تقویت شده است. اما، این خلأ مانع از تأملات دامنه‌دار درباره منش‌های فرضی زارعان درقبال اصطلاحات ارضی، شاه و در این اواخر، انقلاب نشده است. به همین دلیل، بخش وسیعی از «دانش متداول» درباره جامعه روستایی بیشتر ماهیتی اسطوره‌ای دارد تا واقعی. بنابراین، هدف ثانوی این تحقیق خنثی کردن برخی از این اطلاعات نادرست است.

روش تحقیق محلی در این بررسی مشتمل بوده است بر آنچه مردم‌شناسان «مشاهدات مشارکتی» می‌نامند و نیز روش معمول‌تر تحقیقات علوم سیاسی، یعنی مصاحبه‌هایی که برپایه سؤالات از قبل تدوین شده قرار دارد. اولین تحقیق محلی که در روستایی واقع در مرکز ایران و در طول زمستان ۱۳۵۰ و بهار ۱۳۵۱ صورت گرفت، و نیز تحقیق بعدی که در روستای دیگری واقع در جنوب و در طول سال تحصیلی ۱۳۵۸-۱۳۵۷ به عمل آمد، بصیرت زیادی نسبت به جامعه روستایی و پیچیدگی نسبی فنون کشاورزی غیرمکانیزه فراهم آورد.

طبیعتاً، زندگی در کشوری بیگانه مصائب بسیاری به همراه دارد، چون شخص درعین حال که یاد می‌گیرد خود را با هنجارها و توقعات نامأنوس تطبیق دهد باید سوءظن‌های اجتناب‌ناپذیری را نیز تاب بیاورد که به علت بیگانه تلقی شدن در نظامی اجتماعی که در نوع خود همگن است، برمی‌انگیزد. اما، گرچه ممکن است گاه برداشت من‌ناشیانه بوده باشد، صوری، تحمل زیاد و

همراهی که به گمانم از خصایل نیکوی بسیاری از روستاییان ایرانی است مسلماً در تسهیل کار تحقیق مؤثر بود. زندگی در روستاهای ایرانی نیز برای من محاسنی دربرداشته است و آن دوستی نزدیک و صمیمانه‌ای است که با برخی روستائینان برقرار کرده‌ام. من این دوستی را همواره گرامی خواهم داشت.

در این نوشته هیچ روستای به‌خصوصی را تحت مطالعه خاص خود قرار نداده‌ام، و حاصل کار را در واقع می‌توان یک ارزیابی کلی از تأثیر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اصلاحات ارضی بر جامعه روستایی ایران دانست. به‌منظور کسب اطلاعات تطبیقی لازم برای چنین برآوردی، شمار قابل توجهی از روستاها را در نقاط مختلف کشور زیر پا گذاشته‌ام. در طول این سفرها در پی آن بودم که با توجه به سه موضوعی که در دست مطالعه داشتم معلوم کنم که چه ساختارهای مشترک با متفاوتی بین محل‌های مختلف وجود دارد. سه موضوع مورد تحقیق من عبارت بودند از: شیوه تقسیم اراضی؛ تغییرات حاصل از اجرای اصلاحات ارضی؛ و منش جامعه روستایی در قبال اصلاحات و گسترش دامنه فعالیت‌های حکومتی در روستاها. روش تحقیق من در آغاز، استفاده از برگه‌های پرسش چاپی بود. اما، از آن‌جا که پاسخ‌دهندگان اغلب در سخن‌گفتن ماهر بودند و توضیحات مفصلی سرشار از جزئیات جالب توجه می‌دادند که هیچ برگه پرسشی نمی‌توانست آن را ثبت کند، به تدریج و با توجه به شرایط، بهتر دیدم که از روش مؤثرتری بهره بگیرم. معمولاً، ضمن آن‌که یکی از روستاییان سخن می‌گفت یادداشت‌هایی برمی‌داشتیم یا برای نوشتن حداکثر حیزهایی که می‌توانستیم به‌خاطر بسپارم منتظر زمانی مناسب می‌ماندم.

تحقیق میدانی برای این کتاب در طول سال تحصیلی ۱۳۵۱-۱۳۵۰ و تابستان ۱۳۵۶، و از خرداد ۱۳۵۷ تا تیر ۱۳۵۸ صورت گرفت. بخش اول کار در منطقه، قسمت اعظم پایان‌نامه دکترای من در مدرسه مطالعات پیشرفته بین‌المللی دانشگاه جان هاپکینز واشنگتن را تشکیل می‌داد؛ مجید خدوری و ویلیام ج. میلر^۱ در این تحقیق راهنمای من بودند. بیل میلر^۲ در تشویق من در

پی‌گیری علاقه‌ام به ایران که در طول سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۷ شکل گرفته بود نقش مهمی داشت. در آن سال‌ها من به‌عنوان یک داوطلب سپاه صلح^۲ در شهر کوچکی واقع در آذربایجان شرقی در دبیرستانی انگلیسی درس می‌دادم. در طول نخستین سفر تحقیقاتی‌ام از سعادت ملاقات با دکتر نادر افشار نادری، سرپرست گروه مطالعات روستایی در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی تهران برخوردار شدم. دکتر افشار امکان دستیابی به منابع مؤسسه و امکان ملاقاتم با چند محقق بسیار ارزنده ایرانی در زمینه جامعه‌شناسی روستایی را فراهم آورد. از آن هنگام تاکنون اندیشه‌ها و نوشته‌های این افراد همچنان بر من اثرگذار بوده است. به‌ویژه نسبت به مصطفی ازکیا، هوشنگ کشاورز، خسرو خسروی، و جواد صفی‌نژاد نیز دینی معنوی دارم. ازکیا و صفی‌نژاد به‌خصوص، هر دو دوستان خوب من و متقدمان بالارش کارم بوده‌اند.

دومین سفر تحقیقی من به ایران در طول تابستان ۱۹۷۷ صورت گرفت و در ارتباط با پروژه‌ای درباره تأثیرات اصلاحات ارضی بر گروه‌های کار روستاییانی بود که تولید را تحت نظام سوسیالیستی انجام می‌دادند که اینک منسوخ شده است. خیلی خوب توانستم روابط دوستانه‌ای را که در سفر قبلی برقرار کرده بودم تجدید کنم و متوجه تغییرات بسیاری شدم که در طول پنج سال غیبتم در نواحی روستایی رخ داده بود. اما به‌هیچ‌وجه انتظار نداشتم با مهاجرت وسیع جوانان از روستاها به شهرهای کوچک و بزرگ مواجه شوم. دلایل این مهاجرت و پیامدهای آن برای جامعه زارع و روستایی مبنای بحث‌های بر حرارت بسیاری با متخصصان ایرانی شد. در این هنگام بود که فکر بررسی بلندمدت پیامدهای اصلاحات ارضی به ذهنم خطور کرد.

در سومین سفر تحقیقی به ایران همزمان با کار در مقام استادیان در دانشگاه پهلوی شیراز امکان یافتن اطلاعات لازم را برای تجدیدنظر در پایان‌نامه دکترای خود و تبدیل آن به کتاب حاضر به‌دست آوردم. همچنین، در طول این چهارده ماه توانستم شاهد انقلابی غیرمنتظره باشم. از آنجا که در این هنگام در یک روستا

2. Bill Miller

3. Peace Corps

زندگی می‌کردم، می‌توانستم برخورد روستاییان با انقلاب و انتظارات اولیه آنها از حکومت جدید اسلامی را مشاهده کنم. در این دوره به علت شرایط متزلزل سیاسی و اضافه شدن بار احساسات ضد امریکایی در ملی‌گرایی ایرانیان، اقامت من با مشکلاتی بیش از دفعات قبل همراه بود. اما این سفر از لحاظ معنوی پربارتر از تجربیات پیشین بود و رضایت خاطری که در نتیجه تحکیم دوستی‌های گرم و نزدیک به دست آوردم برایم فوق‌العاده ارزشمند بود.

حضور همسر مری هوگلاند^۱، که نه تنها دوست و همراه من بلکه محقق خوبی نیز هست، به تجارب من در زمینه تحقیقات محلی غنای بیشتری بخشیده است. او، در مقام مردم‌شناس-جامعه‌شناس، و با توجه به دلبستگی مشترکمان به ایران، همواره آماده بود که با دانش خود چشماندازهای ارزشمندی را در مقابل من قرار دهد. در جامعه‌ای که جداسازی جنسیتی بسیار شدید است همسر می‌توانست با زنان روستایی آزادانه رفت‌وآمد کند. دیدگاه‌های او که حاصل تجربیات شخصی اوست در شکل بخشیدن به قضاوت‌های من مؤثر بوده‌اند.

بودجه تحقیقات محلی اولیه من در سال‌های ۵۱-۱۳۵۰ با بورس تحقیقی پایان‌نامه دکترای فولبرایت-هایس تأمین شد. در سال ۱۳۵۶ یکی از بورس‌های مربوط به دوستمین سالگرد استقلال ایالات متحد از طریق انجمن دوستان امریکایی خاورمیانه^۲ نصیبم شد (از آن پس به امیدست^۳ تغییر نام داد). این بورس از بودجه‌ای تأمین می‌شد که دولت ایران به مناسبت جشن‌های دوستمین سالگرد در اختیار دولت ایالات متحد گذاشته بود. در طول سال‌های ۵۸-۱۳۵۷ توانستم با کمال مسرت یکی از بورس‌های استادیاری فولبرایت-هایس را در طول بخشی از اقامت در ایران به دست آورم. تشکرات خالصانه خود را به دکتر پری راد، مدیر اجرایی کمیسیون مبادلات فرهنگی ایران و ایالات متحد امریکا و آقای جک شلنبرگر^۴، رئیس دفتر تهران آنزاس روابط بین‌المللی، به علت حمایتی که در این دوره از من به عمل آوردند، تقدیم می‌کنم.

1. Mary Hooglund

2. American Friends of Middle East

3. Amideast

4. Jack Schellenberger

همچنین، در این مدت از کالج بادوین^۱ نیز کمک هزینه مختصری بابت مخارج سفر و تهیه دست‌نوشته‌ها دریافت کردم.

چند دوست و همکارم پیش‌نویس‌های متعدد این کتاب را خوانده‌اند و پیشنهادات ارزنده‌ای برای تغییر بعضی از مطالب عرضه کرده‌اند. در این باره من به‌ویژه خود را مدیون اینان می‌دانم؛ پرواند آبراهامیان، جرج الکالای^۲، مصطفی ازکیا، جیمز بیل^۳، ریچارد کاتم^۴، کانستنس کرونین^۵، محمد فرد سعیدی، مایکل فیشر^۶، دانیل گودوین^۷، امیر حسن‌پور، لئونارد هلفگوت^۸، مری هوگلاند، نیکی کدی^۹ و جان لنگلوئیس^{۱۰}.

در خاتمه، مایلم این را بگویم که ارزش ایران برای من بسیار بیش از محلی برای تحقیق است. دورانی که در آنجا گذراندم تجربه شخصی پربراری بود. متأسفانه ذکر نام همه دوستان و آشنایانی که کمک کردند تا ایران برای من چنین مکان دلپذیری برای زندگی شود، مقدور نیست. اما، بجا است که ذکر از برخی افراد که از میهمان‌نوازی شان برخوردار بوده‌ام به میان آورم. از اسفندیار و السیت احمدی، داندل و ویکی ارباکل^{۱۱}، حیار باقری، جلال و پری باقری، هوشنگ و گرترو د بنان، شیرین فلاحتی، علی گل‌گلایی، بیژن و مهین کشمیری، فاطمه مقدم، خلیل موسوی، گرترو د نای-دوری^{۱۲}، ارایم پلوسا^{۱۳}، شانتال رضایی، آندره سینگر^{۱۴}، مهدی و جوآن ثریا، براین استریچ^{۱۵}، تامس تامپسن^{۱۶}، جلال و آن بتریج صادقی، و علی شیخ الاسلامی. همچنین، باید مراتب قدردانی خود را از خانواده‌های اسفندیار احمدی، مصطفی ازکیا، جلال باقری، اسفندیار

1. Bowdoin College

3. James Bill

5. Constance Cronin

7. Daniel Goodwin

9. Nikki Keddie

11. Donald & Vicki Arbuckle

13. Ephraim Polussa

15. Brian Street

2. George Alkalay

4. Richard Cottam

6. Michael Fisher

8. Leonard Helfgott

10. John Langlois

12. Gertrude Nye-Dorcy

14. André Singer

16. Thomas Thompson

غلامی، امیر حسن پور، سعید ایوب جعفری، هوشنگ کشاورز، جلال صادقی، جواد صفی نژاد، گوهر تاج سپنتا، «بابا» و «ماما» شیخ الاسلامی، و اصغر طلاس مینایی اعلام دارم.

لازم به گفتن نیست که هیچ یک از افراد یا مؤسساتی که در بالا نام بردم مسئول محتویات، تعبیرات و نتایج این تحقیق قلمداد نمی شوند. مسئولیت کامل هر اشتباهی را درباره داده ها یا داوری هایم شخصاً می پذیرم.

ای. ج. ه.

برانزویک، مین^۱

مقدمه

برنامه اصلاحات ارضی در ایران، پس از تقسیم اراضی کشاورزی در مصر در سال ۱۹۵۲ (۱۳۳۱) که به عنوان سیاست رسمی حکومت به مرحله اجرا درآمد، نسبت به هر اقدام‌های مشابه دیگر در خاور میانه، بر بخش وسیع تری از جمعیت روستانشین تأثیر نهاده است. در مقایسه با کشورهای انقلابی و مصممی مانند مصر، عراق و سوریه، که در آنها کمتر از ده درصد از روستانشینان در اثر تقسیم اراضی صاحب زمین شدند، در ایران قبل از انقلاب تقریباً نیمی از خانواده‌های روستایی - ۹۰ درصد از روستاییانی که عملاً از حقوق سنتی کشت و زرع برخوردار بودند - توانستند مالک زمینی شوند که روی آن کار می‌کردند. این نتایج به ظاهر چشمگیر بوده است، و به همین دلیل تعجب‌آور نیست که از حدود اواسط دهه ۵۰ تجربه اصطلاحات ارضی در ایران به مثابه یک نوآوری و کوششی موفق در اصلاح ساختار مالکیت زمین، شهرتی جهانی کسب کرده باشد. اما، باید پذیرفت که معیارهای سنجش موفقیت این اصطلاحات چندان دقیق نبوده است. در بیشتر موارد صرف این واقعیت که اراضی عملاً تقسیم شدند همچون شاهی کافی برای تأیید دستاوردهای اصلاحات ارضی پذیرفته شده است. بی شک می‌توان تقسیم اراضی را به خودی خود عملی مثبت تلقی کرد، اما وقوع آن به منزله پدیده‌ای آماری از تأثیرهای اندک اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن بر ساختار جوامع دهقانی حکایت می‌کند که مشمول آن شدند.

برای ارزیابی تأثیرات هر اصلاحات ارضی مشخصی باید جزئیات برنامه را با هدف تعیین این معیارها به دقت مورد بررسی قرار داد: اینکه چه کسانی از آن سود می‌برند، چه مقدار زمین و به چه قیمتی نصیب هر خانوار می‌شود، چه

گروه‌هایی و برپایه چه منطقی کنار گذاشته می‌شوند، و صف‌بندی‌های جدید طبقاتی - اگر وجود دارد - چگونه است. داشتن چنین اطلاعاتی پیش شرطی است برای شناخت آن جنبه‌هایی از رشد اقتصادی - اعم از مثبت و منفی - که پیامد تقسیم اراضی محسوب می‌شود؛ و نیز پیش شرطی برای تمیز دادن پیامدهای تقسیم اراضی از تحولات اقتصادی ناشی از عوامل بی‌ارتباط با اصلاحات ارضی. شناخت حاصل از داده‌های مربوط به هرگونه تغییری در ساختار اجتماعی که مستقیماً از دگرگونی‌های مالکیت زمین ناشی شده باشد نیز به همان میزان مهم است. تنها وقتی برآورد تأثیر کلی اصلاحات ارضی بر روستاها ممکن می‌شود که شخص، شناخت کاملی از همه روابط اجتماعی و اقتصادی نوظهور به دست آورد.

در مورد تجربه ایران باید گفت که اکنون (سال تألیف کتاب) یک دهه از هنگامی که برنامه اصلاحات ارضی در سال ۱۳۵۰ به طور رسمی خاتمه یافت، می‌گذرد. با این همه، «توفیق» ظاهری این برنامه تا به حال تنها بر اساس تعداد کشاورزانی که عملاً زمین دریافت کرده‌اند سنجیده شده، یعنی هیچ بررسی ارزشمندی در مورد نتایج اصلاحات صورت نگرفته است. درواقع، تنها دو کتاب در دست است که مستقیماً به این مسئله پرداخته‌اند. یکی از این دو کتاب بیش از هر چیز مدیحه‌سرایی چاپلوسانه‌ای برای شاه است و بی‌هیچ تفسیر بیشتری می‌توان کنارش نهاد.^۱ کتاب دیگر، اثری کاملاً تحقیقی است نوشته خانم پروفیسور ان. ک. س. لمبتن، از دانشگاه لندن. گرچه لمبتن برجسته‌ترین صاحب‌نظر در زمینه جامعه روستایی ایران است اما این تحقیق او ارزش محدودی دارد.^۲ کتاب لمبتن در اصل شرحی است بر اجرای قوانین اصلاحات ارضی در چیزی حدود ۳۰۰ روستا در فاصله سال‌های ۱۳۴۱ و ۱۳۴۶، و تحت

1. D. R. Denman, *The King's Vista: A Land Reform Which Has Changed the Face of Persia*.

ارزش تبلیغاتی این کتاب از آنجا آشکار می‌شود که مقامات دولت ایران در اواسط دهه ۵۰، نسخه‌های رایگان - و درخواست‌نشده از آن را به اشخاصی می‌دادند که در روستاهای ایران به کار تحقیق علمی یا مطبوعاتی مشغول بودند.

2. Ann K. S. Lambton, *The Persian Land Reform, 1962-1966*.

این عنوان نیز به هیچ یک از موضوع های مهمی که ذکر شد اشاره ندارد، و حتی به ارزیابی اهمیت کلی برنامه نیز نپرداخته است.

هدف کتاب حاضر پرکردن برخی شکاف های موجود تحقیقات در زمینه اصلاحات ارضی ایران است. کوشیده ام برای پرسش های بنیادی زیر پاسخ هایی فراهم آورم: چه مقدار اراضی عملاً تقسیم شد؛ اندازه متوسط زمین هایی که نصیب زارعان شد، چقدر بود؛ چند درصد از جمعیت روستائین زمین دریافت کرده اند؛ تأثیر اصلاحات ارضی بر ساختار اجتماعی روستایی چه بوده است؛ و سرانجام پیامدهای سیاسی اصلاحات چه بود. پاسخ به این پرسش ها مبانی لازم برای رسیدن به شناخت و ارزیابی تأثیر اصلاحات ارضی بر روستائینان را فراهم می آورد. این بررسی نشان خواهد داد که گرچه موفقیت آماری برنامه برپایه درصد مستأجرانی که زمین دار شده اند انکارناپذیر است، اما اگر موفقیت عملی برپایه منافع عمای روستاییان شده است سنجیده شود، نتیجه تقسیم اراضی در عمل هیچ بوده است.

هدف کتاب حاضر محدود است. در وهله نخست، توجه من معطوف به روستاهایی بوده است که مشمول اصلاحات ارضی شده اند. خواننده نباید تصور کند که بذل توجه اندک به روابط میان برنامه اصلاحات ارضی و سیاست های داخلی و خارجی ایران، نشانه ای از کم بهادادن نگارنده به این مقوله ها است. برعکس، معتقدم نمی توان دلایل مکل گیری اصلاحات ارضی را در دهه ۱۳۴۰، بدون توجه به فضای سیاسی ملی و بین المللی دریافت. اما این رابطه خود می تواند زمینه یک تحقیق مستقل و بسیار مهم باشد. امیدوارم که تحلیل من درباره تأثیر تقسیم اراضی بر ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی روستاهای ایران به منزله نخستین گام در راه شناخت اهمیت کلی اصلاحات ارضی به کار آید و مشوق پژوهش بیشتر افراد علاقه مند به مسائل ایران در این زمینه شود.

کتاب به دو بخش تقسیم شده است. در بخش اول زمینه و سابقه تاریخی برنامه اصلاحات ارضی که در ۱۳۴۱ آغاز شد مطرح می شود. ابتدا شرایط طبیعی محیط که روش های کشاورزی را مقید می کند (فصل ۱) و ماهیت جامعه

دهقانی (فصل ۲) بررسی می‌شود. سپس، اندیشه تقسیم اراضی با ملاحظه زمینه تاریخی آن بررسی خواهد شد. (فصل ۳). در آخرین فصل این بخش مجموعه قوانینی که در سه مرحله اصلاحات ارضی وضع شد، موضوع تحلیل قرار خواهند گرفت. (فصل ۴)

بخش دوم شامل بحثی درباره نتایج اصلاحات ارضی است. فصل پنجم به بحث‌های مهمی از قبیل چقدر زمین توزیع شده است؛ کدام روستائیان زمین دریافت کرده‌اند؛ و اندازه زمین‌های تقسیم‌شده می‌پردازد. پس از آن، دگرگونی ساختارهای اقتصادی (فصل ۶) و ساختارهای سیاسی روستا پس از اصلاحات ارضی (فصل ۷) مورد بررسی قرار می‌گیرد. فصل پایانی (فصل ۸) شامل تحلیلی است درباره تأثیر اصلاحات ارضی و پیامدهای آن بر مواضع و حرکت‌های روستائیان در طول خیزش‌های انقلابی که به سقوط سلطنت در ایران انجامید.